

انسان‌های ادوار بعد، برنامه‌هایی را به مرحله اجرا گذاشت که از آن جمله می‌توان به حفظ و نگارش قرآن، و ثبت و ضبط آن اشاره کرد.

با مراجعه به منابع اسلامی، به‌ویژه مصادر کهن تاریخی و حدیثی، آشفتگی‌هایی در خصوص موضوع جمع قرآن و تدوین آن در اذهان ایجاد می‌شود که خالی از جبهه‌گیری‌های سیاسی و اغراض جناحی نیستند. اما جریان کوشش‌های مجدانه و دلسوزانه رسول رحمت در امر آموزش قرآن، ترویج همه‌جانبه آن و هم‌چنین جمع و تدوین آیات الهی در قالب یک کتاب، موضوعی است که به‌خوبی از میان تمام منابع و مصادر تاریخی و روایی و نیز نص آیات الهی قابل ملاحظه است؛ به‌طوری که اصطلاح «مصحف»، اصطلاح رایجی در عصر رسالت شد.

بر این اساس، رسول خدا(ص) برای حفظ این میراث عظیم، تمام ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه آن عصر را به خدمت گرفت و در همین راستا، اصحاب حضرت و شاگردان مکتب او، تمام کوشش خود را در این راه به میدان آوردند. گروهی با حفظ آیات و گروهی با کتابت آن و تعلیم و ترویج قرآن، به این امر مهم یاری رساندند تا در نتیجه، قرآن مجید دست‌به‌دست و بدون هیچ‌گونه تغییر و تحریفی، به ما و نسل‌های آینده برسد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مصحف، کتاب، جمع، املا، اقرا

بیان مسئله

یکی از مباحث مهم و تأثیرگذار در حوزه علوم قرآنی و تاریخ قرآن، بحث «کتابت و جمع قرآن» است؛ به این معنی که چگونه وحی که در مدت بیست و سه سال به‌صورت آیه‌ایه و سوره‌سوره و در مناسبت‌ها و پیشامدهای گوناگون به‌طور پراکنده نازل می‌شد، در نهایت به صورت مدون و مجموعه کتاب درآمد.

منابع روایی و مصادر کهن تاریخی، دیدگاه‌های متفاوت و گاه معارضی را در این باره بیان داشته‌اند. برخی از منابع، جمع قرآن را به بعد از حیات نبی اکرم(ص) مربوط می‌دانند که لازمه پذیرش این قول، تحریف و یا لااقل احتمال تحریف قرآن است. این ایده با موضوع «تواتر قرآن» نیز توافق و سازش ندارد. از سوی دیگر، بسیاری از منابع روایی و قرائن و شواهد تاریخی گواه این است که قرآن مجید از همان روز نخست، سخت مورد عنایت ویژه رسول اکرم(ص) و همه مسلمانان و پیروان راستین حضرت بوده است. پیامبر اکرم(ص) با شناخت و اشراف کامل بر ابعاد رسالت جهان‌شمول خود، شخصاً محافظ قرآن بودند و پیوسته دستور حفظ، ثبت و ضبط آن را



کتابت وحی و کتابت آن در عصر رسالت

شهر روز ذوالفقاری
دبیر دینی و قرآن

اشاره

رسول خاتم(ص) به‌عنوان آخرین پیام‌آور الهی، قرآن مجید را که سرچشمه سعادت و هدایت انسان است، به مردم عصر و زمان خویش عرضه داشت و از آن روی که رسالتی جهان‌شمول بر عهده او بود، به‌منظور حفظ میراث قرآن برای

می‌دادند و در همین راستا، دبیرانی را برای کتابت آیات الهی به خدمت گرفتند تا آیات نازل شده را به رشته تحریر درآورند.

کتابت و نگارش قرآن در عهد پیامبر اکرم (ص)

اعراب جاهلی قومی امی و بی‌سواد بودند؛ با وجود این، به کلی از سواد و دانش بی‌بهره و تهی نبودند، بلکه در میان ایشان افرادی آشنا به خواندن و نوشتن نیز یافت می‌شد. حتی بنا بر برخی از نقل‌ها، ایشان نسبت به حفظ و مکتوب کردن آثار فرهنگی خود، به جد اهتمام می‌ورزیدند. نقل است که روزی سویدبن صامت، خطاب به رسول اکرم (ص) می‌گوید: «همانا آنچه تو داری (قرآن) همانند چیزی است که در نزد من است.» رسول اکرم (ص) می‌پرسند: «تزد تو چه چیزی است؟» می‌گوید: «مجله لقمان.» پیامبر فرمودند: «بر من عرضه کن.» او عرضه می‌کند و رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «این کلام نیکویی است اما آنچه با من است، از آن نیکوتر است» (طبری، جامع‌البیان، ج ۴: ۲۳؛ ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان، ج ۳: ۱۶۴).

آری، هنگامی که عرب نسبت به جمع‌آوری و تدوین میراث فرهنگی و یا دینی خود اهتمام و حساسیت نشان می‌داد، به‌طور حتم باید نسبت به قرآن مجید که مورد سفارش و تأکید فراوان رسول اکرم (ص) بوده و در تاریخ این قوم نیز به منزله نقطه عطفی به‌شمار می‌آید، اهتمام بیشتری نشان داده باشد. از این‌رو، هر چند اعتماد اعراب بر محفوظات نسبت به استناد و اتکای ایشان بر

مکتوبات، رواج بیشتری داشته است، اما توجه رسول اکرم (ص) و اصحاب ایشان به کتابت قرآن مجید، بیش از حفظ آن بود؛ به‌طوری که تأکید بر حفظ و به یاد سپردن قرآن، آن‌ها را از کتابت آن، در حدی که وسایل و امکانات کتابت در آن زمان اجازه می‌داد، غافل‌نساخت. تأکید فوق‌العاده رسول اعظم (ص) به ضبط و ثبت از قرآن، آن حضرت را بر آن داشت تا افرادی را به‌عنوان کتاب وحی تعیین کند. هر زمان که آیه‌ای نازل می‌شد، پیامبر (ص) کاتبان وحی را به نوشتن آن امر می‌کرد، تا به این ترتیب کتابت قرآن، به حفظ آن یاری رساند. از آنچه گفته شد، قابل حصول است که کار نوشتن قرآن در کنار حفظ آن مورد توجه بوده است.

زمینه‌های نگارش قرآن در عهد رسالت

کتابت و نگارش قرآن مجید پیش از هر چیز بحثی تاریخی است که باید در وهله نخست از این منظر به بررسی ابعاد گوناگون و مختلف آن پرداخت. بدین خاطر، در این فرصت سعی

می‌شود تا از این دریچه به این موضوع پرداخته شود. همان‌طور که می‌دانید، برای نگارش هر مطلب و موضوعی لوازمی احتیاج است که عبارت‌اند از: شخصی که بتواند بنویسد، ابزار و لوازم نگارش، و علاقه و انگیزه لازم برای نگارش (معرف، درآمدی بر تاریخ قرآن: ۹۷).

حال باید دید که این سه عنوان، در زمان رسول اکرم (ص) به چه مقدار برای کتابت و نگارش قرآن مجید فراهم بوده است. بررسی این موضوع، به وضوح ما را از چگونگی جریان نگارش قرآن در حیات رسول خدا آگاه می‌سازد.

وجود نویسندگان

سرزمین حجاز و شهرهای مکه و مدینه، به گواهی تاریخ، سال‌ها پیش از ظهور اسلام به‌عنوان یک مرکز تجاری و بازرگانی که با سرزمین‌های متمدن و متجدد آن روزگار-همچون ایران و یمن- که تا حدود زیادی پیشرفته بودند، ارتباط و دادوستد داشتند و عده زیادی از یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان، سرزمین حجاز را بازار مناسبی برای فروش محصولات خود می‌دانستند. برخی از ایشان نیز در شهرهایی چون مدینه اقامت گزیده بودند.

مکه افزون بر اینکه یک مرکز دینی و فرهنگی بود، نقطه اتصال و حلقه ارتباط میان نواحی گوناگون جزیره العرب و سایر ممالک نیز بود و مردمان آن پیوسته برای داد و ستد به مسافرت می‌پرداختند.

در زمستان به یمن که در آن زمان یکی از مراکز مهم پیشرفته و متمدن به‌شمار می‌آمد، مسافرت می‌کردند (لوبون: ۷۵-۲۵) و در تابستان به شام که مرکز تجمع فنیقی‌ها بود، می‌رفتند. فنیقی‌ها همان کسانی هستند که خط و حروف مصری را به حروف هجای عربی ساده‌تر برگردان کردند که بعدها به‌صورت خط آرامی درآمد.

بدین ترتیب، اعراب سال‌ها پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص)، با جلوه‌های گوناگون فرهنگی کشورهای متمدن آن روزگار آشنا شده بودند و با توجه به اینکه خواندن و نوشتن یکی از ضروریات در تجارت است، از این فن غفلت نورزیدند و به کلی از آن محروم نبودند. کشفیات باستان‌شناسی به‌خوبی بر این موضوع گواه‌اند؛ به‌گونه‌ای که کاتیانی در «تاریخ‌الاسلام» و دکتر ناصرالدین آسد در کتاب «مصادر الشعر الجاهلی»، مجموعه‌ای از کتیبه‌ها و نقوش کشف شده در جزیره العرب را آورده‌اند و با مطالعه و بررسی آن‌ها به این موضوع اشاره کرده‌اند که اعراب عصر جاهلی سال‌ها پیش از ظهور اسلام با مسئله خواندن و نوشتن آشنایی داشته‌اند (بنگرید به: حجتی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).



با تمام این اوصاف، عموم مردم حجاز مردمی بی سواد بودند و شمار افرادی که می توانستند بخوانند و بنویسند، کم بود. به گونه‌ای که بلاذری می گوید: هنگام ظهور اسلام در میان قریش، تنها هفده نفر نوشتن را می دانستند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۴۵۷).

بنابراین، هم‌زمان با بعثت رسول اکرم (ص)، مسئله کتابت و سواد خواندن و نوشتن در میان اعراب به کلی منتفی نبوده است، بلکه اعراب هر چند به تعداد اندک، می نوشته و می خوانده‌اند. برای نمونه، می توان به «ماجرای خوردن عهدنامه قریش توسط موریانه» در سال‌های محاصره اقتصادی پیامبر (ص) و مسلمانان در شعب ابیطالب و «نامه پیامبر (ص) به سران کشورهای مختلف» اشاره کرد.

نوشت افزار معمول برای نگارش

یکی دیگر از زمینه‌های لازم برای نگارش هر مطلبی، وجود نوشت افزار معمول و ابزار نگارش است. در این زمینه نیز شیوه کتابت در عهد رسالت به گونه‌ای بود که بر هر چه یافت می شد و امکان نوشتن روی آن وجود داشت می نوشتند،

اما عنایت خاص رسول اکرم (ص) به ثبت و ضبط قرآن موجب شده بود که برای نگارش آن، از بهترین ابزارهای نگارش معمول در آن زمان استفاده شود که در این زمینه «کاغذ» از ویژگی و نمود خاصی برخوردار بود.

به‌طور کلی، می توان ابزارهای مورد استفاده کتاب وحی در کتابت قرآن مجید را با توجه به نص قرآن، روایات و تاریخچه‌هایی که به نگارش قرآن کریم مربوط است، بدین ترتیب نام برد: قرطاس (کاغذ / انعام / ۷)؛ رق: برگ سفید و پوست نازک و ظریفی که بر آن می نویسند (طور / ۳)؛ قلم (قلم / ۱)؛ عسیب: جریده نخل؛ ادیم: پوست آماده شده برای نوشتن؛ لخفه: سنگ لوحه‌های نازک؛ کتف: استخوان شانه حیواناتی چون شتر و یا گوسفند (العین، ج ۴: ۲۶۵).

انگیزه لازم برای نگارش

بنا به فرموده قرآن مجید، رسول اکرم (ص) نسبت به هدایت و ارشاد مردم بسیار مشتاق و حریص بودند (توبه / ۱۲۸). پرواضح است که لازمه این کوشش مجدانه و سخت کوشانه برای هدایت مردم آن است که اساس نامه دین خاتم و کتاب هدایت که مایه قوام دعوت و دربردارنده فرائض اسلامی است، در اختیار همگان قرار گیرد.

بر این اساس، رسول اکرم (ص) به عنوان خاتم الانبیا و مرکز دایره حکمت و خزانه عقل که در اوج حکمت و دوراندیشی نسبت به آینده بشر بودند، بار سنگین این رسالت و ابلاغ پیام هدایت بخش و انسان ساز قرآن را به خوبی احساس می کردند و به

همین خاطر، برای حفظ و گسترش پیام الهی و جاودانگی آن در طول حیات بشری، نسبت به نگارش و کتابت مرکز و خاستگاه علم و دانش، یعنی قرآن مجید، بسیار اهتمام می ورزیدند و اصحاب و مسلمین را بدان ترغیب و تشویق می کردند و می فرمودند: «علم و دانش را با نوشتن، از فراموشی حفظ کنید»

(تحف العقول: ۳۶). در بیان دیگری از رسول اکرم (ص) نقل

است که فرمودند: «هر که یک قلم برای کتابت قرآن

مجید بترشد، خداوند متعال او را در بهشت درختی

کرامت فرماید که اگر پرنده‌ای چندین مدت ببرد،

نمی تواند قطع مسافت برگی از آن درخت را بکند»

(منهج الصادقین، ج ۱۰: ۲۰۸). از همین

روی، اهتمام رسول اکرم (ص) به تعلیم

کتابت در میان مسلمین موجب شد که

تعداد باسوادها و آشنایان به کتابت، رو به

فزونی نهاد؛ چه اینکه نقل است، ایشان

فدیه اسرای فاقد مال و ثروت را آموزش

نوشتن به کودکان مسلمان قرار داد.

تذکار این نکته نیز لازم به نظر می رسد که

خداوند متعال مؤمنان را در قرآن مجید به

کتابت فرمان داده و ایشان را به این مهم

مؤدب ساخته است (بقره / ۲۸۲). پر واضح است خداوند هنگامی

که بر کتابت «دین» در جهت حفظ و حراست آن، و جلوگیری

از هرگونه تردید در آن امر می کند و تأکید می ورزد، باید بر حفظ

و نگارش اساس نامه دین خاتم تأکید بیشتری داشته باشد. افزون

بر این‌ها، وجود الفاظ گوناگون در قرآن مجید، از ماده «کتب»

به مفهوم کتابت در ۵۷ مورد و واژه کتاب در ۲۶۲ مورد، نشانگر

جایگاه بلند و مرتبت عظیم آن در اسلام است.

بدین ترتیب و با توجه به امتیازها و خصوصیات خاص

قرآن که به تنهایی می توانست در جلب افکار مسلمانان به

سوی خود کافی باشد و اهتمام پیامبر به قرآن مجید و تأکید

فراوان حضرت بر حفظ و نگارش آن و همچنین جایگاه رسول

خدا و نفوذ فوق العاده ایشان در بین مسلمین، پر واضح است

که اگر چنین پیشوایی به خواندن و نگارش و نگهداری کتابی

اظهار علاقه شدید و اشتیاق فراوان بنماید، مسلماً آن کتاب در

میان آن قوم و ملت رواج فوق العاده‌ای پیدا خواهد کرد و همه

آن مردم برای جلب رضایت رهبرشان، خواه با انگیزه دینی یا

دنایی، از آن کتاب محافظت می کنند و تمام سعی خویش

را برای اجرایی کردن فرمایش‌های آن رهبر به کار می گیرند.

بررسی وقوع کتابت قرآن در عهد رسالت

در منابع و متون اسلامی و تاریخی، شواهد و قراین فراوانی

وجود دارد که همگی آن‌ها بر کتابت قرآن مجید در حیات

رسول اکرم (ص) دلالت دارد. در این بخش، به برخی از این

دلایل و شواهد اشاره می شود:



الف) شواهد قرآنی

در آیات قرآن مجید، تعبیرات فراوانی موجود است که به خوبی از تحقق کتابت قرآن در زمان پیامبر حکایت دارد.

پیشینه تاریخی کتابت وحی

بنابر آیات کریمه قرآن مجید، کتابت آیات وحیانی، پیشینه تاریخی وسیعی تا دوره‌های پیامبران الهی گذشته دارد. در آیات قرآن مجید آمده است: «و لما رجع موسی الی قومه... و القی الألواح و اخذ برأس أخیه...» (اعراف/ ۱۵۰).

آشنایی اعراب با کتاب و کتابت

همان‌طور که اشاره شد، برای نگارش و ثبت هر چیزی، لوازم و ابزاری مورد احتیاج است. بنابر برخی از آیات الهی، اعراب معاصر رسول اکرم (ص) به ابزار نگارش دسترسی و تصویر روشنی از «کتاب»، «قلم»، «قرطاس» و «طومار» داشته‌اند. برای نمونه، در آیه ۷ سوره انعام می‌خوانیم: «و لو نزلنا علیک کتاباً فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا ان هذا الا سحر مبین.» صاحب التحقیق می‌گوید: «و الآیات الکریمه تدل علی أنّ القرطاس کان متداولاً و معمولاً فی الحجاز یومئذ، مصریاً أو سینياً أو غیرهما» (مصطفوی، ج ۹: ۲۴۲).

ذکر کتاب

در قرآن مجید، آیات متعددی وجود دارند که به صراحت از قرآن به عنوان «کتاب» یاد می‌کنند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به آیات «بقره/ ۲، یونس/ ۱، نساء/ ۱۰۵» اشاره کرد. این مطلب روشن است که کتاب اسم است برای مجموع مطالب مرتب و منظم. حال اگر خداوند متعال قرآن را منظم و

مرتب نمی‌فرمود، اسم آن را «کتاب» نمی‌گذاشت و به خود نسبت نمی‌داد. به‌عنوان نمونه، هرگاه کسی احادیثی را جمع و در دفتری منظم و مرتب کند، هرگز آن را به پیامبر (ص) و یا معصومین (ع) نسبت نمی‌دهد؛ مانند «کتاب کافی» کلینی، «من لا یحضره الفقیه» صدوق و یا «الاستبصار» شیخ طوسی.

اظهارات مشرکان

سرکشان قریش مدعی بودند که پیامبر (ص) آیات را به دروغ به هم بافته و به یاری دیگران آن‌ها را ساخته و یا این آیات افسانه‌هایی هستند که پیامبر رونویسی می‌کند و دیگران صبح و شام برای او دیکته می‌کنند؛ و قالوا أساطیر الأولین اکتتبها فیهی تملی علیه بکرة و اصیلاً (فرقان/ ۵).

این آیه توجه هر قرآن‌پژوهی را به خود جلب می‌کند و به

نظر می‌آید که بر کتابت قرآن دلالت داشته باشد. محمد عزت دروزه می‌گوید: «این آیه نمی‌خواهد یک ادعای گزاف را از اعراب معاصر پیامبر (ص) نقل کند. بلکه گزارشگر یک واقعیت است و آن این که آیات و سوره‌های قرآن، همان‌گونه که به تدریج نازل می‌شده‌اند، تدوین و سپس از روی صحیفه‌های نوشته شده، برای مردم خوانده می‌شدند. همین موضوع، فرصتی برای مشرکان فراهم آورده است تا بگویند: «وی آنچه را قرآن می‌نامد، از روی کتاب‌ها و افسانه‌های پیشینیان رونویسی کرده است» (تاریخ قرآن، ۱: ۱۴۰۱ ق: ۸۸-۸۷).

ب) شواهد روایی- تاریخی

با مراجعه به روایات فریقین و همچنین وقایع تاریخی صدر اسلام، با شواهدی مواجه می‌شویم که به خوبی از نگارش قرآن در عهد رسول اکرم (ص) حکایت دارد. در این رابطه می‌توان به این احادیث و وقایع اشاره کرد:

ذکر مصحف

در میان فرمایش‌های رسول اکرم (ص)، روایات فراوانی وجود دارند که کلمه «مصحف» و یا «کتاب» در آن‌ها ذکر و بر قرائت قرآن از روی مصحف تأکید شده است و به خوبی از نگارش آیات قرآن مجید در زمان حیات رسول اکرم (ص) حکایت دارند. چه اینکه طبق برخی روایات، نوع و ابزار نگارش قرآن نیز ذکر شده است (بنگرید به: مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۶۷؛ المصاحف، ص ۱۸۱-۱۸۰).

املاي پیامبر و کتابت امیر المؤمنین (ع)

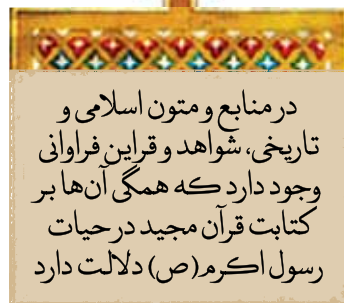
از امیر المؤمنین علی (ع) نقل است که می‌فرمودند: انّ کل آیه أنزلها الله تعالی علی محمد (ص) عندی باملاء رسول الله (ص) و خط یدی (بحار الانوار، ج ۸۹: ۴۱).

مفاد این روایت بر نگارش قرآن در زمان رسول اعظم (ص) و اهتمام ایشان به حفظ و صیانت قرآن مجید دلالت دارد.

گردآورندگان قرآن در عصر پیامبر (ص)

در برخی از گزارش‌ها، از افرادی نام برده شده است که در زمان رسول اکرم (ص) قرآن را جمع کرده‌اند. از انس بن مالک نقل شده است: جمع القرآن علی عهد نبی (ص) أربعة کلهم من الانصار: ابي بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و أبوزید (الجامع لاحکام القرآن، ج ۱: ۵۶).

جمع در این نوع از نقل‌ها ضد تفرق است. یعنی کار عده‌ای از صحابه آن بوده است که آیات و سوره نازل‌شده متفرق را به یکدیگر پیوسته و جمع کنند و این کار را به طور مستمر



ادامه دهند. لازمه این نوع جمع، کتابت است. اما اینکه در اینجا جمع را به معنای حفظ کردن آیات در اذهان و سینه‌ها بدانیم، درست نیست؛ زیرا حافظان به این معنا فراوان بوده‌اند. تا آنجا که در فاجعه بئر معونه روایت شده است که چهل یا هفتاد تن از حافظان به شهادت رسیدند (المیزان، ج ۴: ۷۱).

در باره تعداد و نام کاتبان، اقوال متفاوتی وجود دارد؛ به طوری که تعداد آن‌ها را از ۱۰ نفر تا ۴۵ نفر ذکر کرده‌اند اما با توجه به نگاشته‌های محدثان، مورخان و مقایسه میان آن‌ها، می‌توان فهرست چهل و چند نفره‌ای از آنان را تنظیم کرد.

عوامل متعددی وجود دارند که موجب پیچیدگی کار و تحقیق در خصوص اظهار نظر قطعی پیرامون تعداد و نام کاتبان وحی شده‌اند؛ از جمله:

وجود انگیزه‌ها و حب و بغض‌ها در ثبت نام افراد

در نهایت تأسّف، آن‌هایی که صورت اسامی کاتبان رسول خدا را ثبت کرده‌اند، خالی از بغض و حب شخصی یا عقیدتی نبوده‌اند. گاهی این صورت‌ها به وضوح بر دسته‌بندی‌های سیاسی و عقیدتی مبتنی است. به همراه داشتن چنین عنوانی در جامعه اسلامی ارزش و قدر آن را داشت که احیاناً با تبلیغ و زر و زور، روایاتی در این باب از اصحاب و اشخاص مختلف جعل شود و نام برخی افراد بر کرسی بنشینند. از این‌رو، چنین افتخارهای ساختگی، دستاویز حکومت‌های اموی و عباسی قرار می‌گیرد. برای نمونه، می‌توان به خاندان ابوسفیان که در صورت کاتبان وحی جا گرفته‌اند، اشاره کرد. همان‌ها که تا روز فتح مکه از هیچ توطئه و اقدامی علیه پیامبر اکرم (ص) دریغ نکردند.

عدم وجود قرینه‌ای دال بر کتابت افراد

وقتی محدث یا مورخی نام فردی را به عنوان کاتب وحی ضبط کرده است، این ثبت به طور مسلسل و در پی هم، به کتب بعدی سرایت کرده و پس از مدتی هم رنگ حقیقت به خود گرفته است؛ بدون اینکه دلیل متقنی بر کتابت این افراد اقامه شود. برای نمونه، تنها قرینه‌ای که دال بر کتابت تعدادی از این افراد می‌توان یافت، آشنایی ایشان با خواندن و نوشتن است و اینکه آن‌ها جزو آن دسته از اشخاصی بوده‌اند که هم‌زمان با بعثت نبی اکرم با خواندن و نوشتن آشنایی داشتند. پر واضح است، صرف آشنایی با کتابت برخی از این افراد مانند: حاطب بن عمرو، مغیره بن شعبه، حویطب بن عبدالعزی، یزید بن ابی سفیان و طلحه بن عبیدالله، نمی‌تواند شاهد و دلیل متقنی بر کتابت وحی توسط آن‌ها باشد. چه اینکه درباره برخی مانند عبدالله بن زید و عامر بن فهیره، حتی چنین قرینه‌ای نیز وجود ندارد.

عدم تفکیک وظایف و نقش کاتبان

میان کاتبان وحی و کاتبان رسائل و عهود، تمیز دقیقی

ادامه دهند. لازمه این نوع جمع، کتابت است. اما اینکه در اینجا جمع را به معنای حفظ کردن آیات در اذهان و سینه‌ها بدانیم، درست نیست؛ زیرا حافظان به این معنا فراوان بوده‌اند. تا آنجا که در فاجعه بئر معونه روایت شده است که چهل یا هفتاد تن از حافظان به شهادت رسیدند (المیزان، ج ۴: ۷۱).

مصحف به جا مانده از پیامبر (ص)

طبق آنچه در برخی از احادیث تصریح شده است، در محل استراحت رسول خدا (ص) و در خانه آن حضرت، نسخه‌ای از قرآن مجید وجود داشته و پیامبر (ص) به علی (ع) فرمان داده است تا آن را برگیرد و گردآوری کند. از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: آن رسول الله (ص) قال لعلی (ع) یا علی! القرآن خلف فراشی فی الصحف و الحریر و القرطاس فخذوه و اجمعوه (تفسیر قمی، ج ۲: ۴۵۱).

کتابت آیات به هنگام نزول

از براء بن عازب نقل است که گفت، وقتی آیه «لایستوی القاعدون...» (نساء/ ۹۵) نازل شد، پیامبر فرمودند: «زید را فراخوانید.» زید در حالی که با خود دوات و لوح و استخوان کتف شتری داشت، آمد. پیامبر (ص) فرمودند: «بنویس لایستوی القاعدون من المؤمنین...» (الدر المنثور، ج ۲: ۲۰۲).

ماجرای اسلام آوردن عمر

ماجرای اسلام آوردن عمر به سال پنجم بعثت در خانه خواهرش، پس از مشاهده آیاتی از سوره طه بر صحیفه‌ها (بنگرید به: الطبقات، ج ۳: ۲۶۸-۲۶۷)، به خوبی حکایت از آن دارد که قرآن در همان سال‌های اول، بر صحیفه‌ها دست‌به‌دست می‌گشته است.

کاتبان پیامبر (ص)

یکی از نکات روشن زندگی نبی اکرم (ص) این است که درس نخوانده و مکتب ندیده بود؛ نزد هیچ معلمی نیاموخت و با هیچ نوشته و کتابی آشنا نبود و در میان قوم خود نیز به داشتن سواد معروف نبود. به همین دلیل، وی را «اُمّی» می‌خواندند. در قرآن مجید نیز در دو مورد، امّی، صفت رسول خدا (ص)، آمده است (اعراف/ ۱۵۷ و ۱۵۸). بر این اساس، پیامبر (ص) به کاتبانی نیاز داشتند تا در شئون گوناگون، به‌ویژه کتابت آیات الهی، در خدمت رسول اکرم (ص) باشند. از این روی، چه در مکه و چه در مدینه، زبده‌ترین افراد را برای این کار به خدمت گرفتند.



درباره تعداد و نام کاتبان، اقوال متفاوتی وجود دارد؛ به طوری که تعداد آن‌ها را از ۱۰ نفر تا ۴۵ نفر ذکر کرده‌اند اما با توجه به نگاشته‌های محدثان، مورخان و مقایسه میان آن‌ها، می‌توان فهرست چهل و چند نفره‌ای از آنان را تنظیم کرد

وجود ندارد و نقش و وظیفه هریک از آن‌ها تفکیک و مشخص نشده است. برای نمونه، صاحب «تجارب السلف» می‌گوید: «رسول (ص) را ده کاتب بود. بعضی وحی می‌نوشتند و بعضی حساب صدقات و بردگان که از غزوات آورده می‌شد را داشتند (تجارب السلف: ۲۸)».

سیس اسامی دبیران پیامبر را ذکر می‌کند. برخی از این افراد گرچه جزو کاتبان بوده‌اند و اسنادی نیز حکایت از آن دارد که برخی از رسائل و عهدنامه‌ها توسط ایشان نگاشته شده است، اما به قطعیت نمی‌توان آن‌ها را «کاتب وحی» دانست. برخی نیز به صراحت معتقدند که بعضی چون معاویه به هیچ وجه نمی‌توانسته‌اند جزو کاتبان وحی باشند (ابوهریره: ۲۰۵-۲۰۴).

راجع به برخی دیگر از افراد که در فهرست کاتبان وحی قرار گرفته‌اند، اوضاع از همین قرار است. برای نمونه، جهیم بن صلت، صدقات و زکات پیامبر را می‌نوشت. علاء بن عقبه از نویسندگان قبایله‌ها بوده است. زبیر مانند جهیم، صدقات و زکات پیامبر را می‌نوشت و حذیفه بن یمان صدقات خرما را می‌نگاشت (بنگرید به: عقد الفرید، ج ۴: ۲۴۴-۲۴۳؛ الاشراف و التنبيه: ۲۴۶-۲۴۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱: ۳۳۸).

عدم انطباق با حقایق تاریخی

عامل دیگری که موجب می‌شود انتساب کتابت وحی به برخی از این افراد در زمان پیامبر اکرم (ص) مورد مناقشه و تردید قرار گیرد، از مسائل و حقایق تاریخی است که نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید. برای نمونه، سعید بن عاص که در فهرست کاتبان وحی آمده، هنگام رحلت پیامبر حدود ۹ سال داشته است؛ قبض النبی (ص) و سعید تسع سنین (تهذیب التذہیب، ج ۴: ۴۳). از این‌رو بعید به نظر می‌رسد که وی بتواند جزو کاتبان پیامبر اکرم باشد. ولی از آنجا که او جزو چهار نفری بود که عثمان آن‌ها را برای استنساخ قرآن تعیین کرده بود، از این‌رو ممکن است برخی از مورخان به اشتباه، کتابت او برای عثمان را به عنوان کتابت وحی قلمداد کرده باشند.

همچنین، قریب به دو ثلث قرآن مجید در مکه نازل شده است؛ بدین ترتیب، اهمیت کتابت وحی در دوران اقامت رسول خدا (ص) در مکه، بیشتر نمودار می‌شود. به خصوص اینکه توجه داشته باشیم، دوران مکه با دشواری‌های خاص خود توأم بوده است. دعوت پنهانی پیامبر اکرم (ص) در مکه و در خانه ارقم، منزوی شدن مسلمانان به شعب اُبی طالب، هجرت مسلمانان از مکه به حبشه، درگیری‌های مکه، سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌هایی که پیامبر با آن‌ها مواجه بود، همگی حکایت از آن دارند که امری حساس و اساسی همچون کتابت وحی، باید توسط اشخاصی ممتاز و ویژه که مورد اطمینان پیامبر اکرم (ص) و همواره ملازم، همدل و همراه پیامبر بوده باشند، صورت می‌گرفت.

بنابراین می‌توان گفت، کسی که بیش از همه و پیش از دیگران، یعنی از همان روزهای نخستین دعوت در مکه و تا آخرین روزهای حیات پیامبر اکرم، در این کار حضرت را یاری کرد، امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (ع) است.

خلاصه، با تحقیق و پژوهش در قرائن موجود و حقایق تاریخی، می‌توان علی (ع)، عثمان، ابی بن کعب و زید بن ثابت را عمده‌ترین کاتبان وحی دانست. دیگر کاتبان وحی در مرتبه دوم قرار داشتند (المناقب، ج ۱: ۱۶۲؛ تاریخ قرآن، رامیار: ۲۶۶؛ علوم قرآنی: ۴۵). بی‌تردید این واقعیت تاریخی و وجود کاتبان وحی، به خوبی از نگارش قرآن مجید در عهد رسول اکرم و اهتمام ایشان بر کتابت و حفظ قرآن مجید حکایت دارد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، ابوحامد. شرح نهج البلاغه. کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی. قم. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی. فتح الباری. دارالکتب العلمیه. بیروت. چاپ اول. ۱۴۱۸ هـ.ق.
۴. تهذیب التهذیب. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء. دارالکتب العلمیه. بیروت. چاپ اول. ۱۴۱۵ هـ.ق.
۵. ابن سعد، محمد. الطبقات الکبری. دار صادر. بیروت. ۱۳۷۶ هـ.ق.
۶. ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد. المناقب آل ابی طالب. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. علامه. قم. ۱۳۷۹ هـ.ق.
۷. ابن عبدالبر، ابی عمر یوسف بن عبدالله: الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. تحقیق محمد البجاوی. چاپ اول. دار الجیل. بیروت. ۱۴۱۲ هـ.ق.
۸. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد. عقد الفرید. تحقیق دکتر عبدالمجید الترحینی. دارالکتب العلمیه. چاپ اول. بیروت. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن. تاریخ دمشق. دارالفکر. چاپ اول. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق. الفهرست. مروی. تهران. ۱۳۹۱ هـ.ق.
۱۱. ابن هاشم، ابومحمد عبدالملک السیرئ النبویه. تحقیق احمد شمس‌الدین. مکتب‌الاحلال. بیروت. چاپ اول. ۱۹۹۸م.
۱۲. ابوریثه، محمود. ابهریره. دارالمعارف. چاپ سوم. مصر. ۱۹۶۹م.
۱۳. بلاذری، ابی‌الحسن. فتوح البلدان. دارالکتب العلمیه. بیروت. ۱۳۹۸ هـ.ق.
۱۴. حجتی، سید محمدباقر. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم. چاپ بیست و سوم. نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۵. دروزه، محمد عزت. تاریخ قرآن، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی. مرکز نشر انقلاب. چاپ دوم. ۱۴۰۱ هـ.ق.
۱۶. رامیار، محمود. تاریخ قرآن. امیرکبیر. تهران. چاپ سوم. ۱۳۶۹ هـ.ش.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین. الدار المنثور فی تفسیر المأثور. کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی. قم. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۸. صاحبی نخجوانی، هندوشاه. تجارب السلف. نفائس مخطوطات اصفهان. اصفهان. ۱۳۶۱ هـ.ش.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه. قم. ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. تاریخ طبری. چاپ سوم. مؤسسه عزالدین. بیروت. ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لأحكام القرآن. انتشارات ناصر خسرو. چاپ اول. تهران. ۱۳۶۴ هـ.ش.
۲۲. لوبون، گوستاو. تمدن اسلام و عرب. ترجمه محمدعلی فخر داعی. مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی. چاپ چهارم. ۱۳۳۴ هـ.ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. مؤسسه الوفاء. بیروت. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲۴. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران. ۱۳۶۰ هـ.ش.
۲۵. معارف، مجید. درآمدی بر تاریخ قرآن. انتشارات نبأ. تهران. ۱۳۸۳ هـ.ش.
۲۶. معرفت، محمدهادی. علوم قرآنی. چاپ اول. التمهید. قم. ۱۳۷۸ هـ.ش.